

بررسی جنبه‌های بلاغی در مرثیه محتشم کاشانی

محبوبه مسلمی زاده^۱

چکیده

صور گوناگون خیال در همه زبان‌ها و دوره‌ها، زمینه اصلی شعر را نشان می‌دهد. شاعر با بهره از زبان وصفی یا مجازی و به فراخور مضمون مورد نظر خود در انواع شعر طبع آزمایی می‌کند. یکی از مضامین مهم شعری، مرثیه است که در سوگ کسان یا در مصیبت ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین(ع) و یاران او سروده شده است. محتشم کاشانی پرآوازه‌ترین مرثیه‌سرای شیعه در دوره صفوی است و سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد که الگوی شاعران پس از او نیز قرار گرفت. مسأله مورد مطالعه در این نوشتار بررسی جنبه زیبایی‌شناسی از نظر میزان کاربرد صور خیال در مرثیه محتشم به روش تحلیلی توصیفی و هدف از تحقیق تبیین علت تأثیرگذاری و ماندگاری این مرثیه است. نتیجه تحقیق میزان قابل ملاحظه‌ای از تصویرسازی‌های محتشم را با به کارگیری شگردهای ادبی صور خیال نشان می‌دهد به گونه‌ای که بیتی خالی از این صور و آرایه‌ها نیست؛ از آن میان، استعاره سپس تشبیه بیش‌ترین کاربرد و مجاز، کنایه و تشخیص به نسبت برابر در برجسته‌سازی تصاویر به کار رفته و چنین می‌نماید که غیر از مضمون، استفاده از صوری چون استعاره و تشبیه از علل عمده شهرت و تأثیرگذاری شعر محتشم است.

واژه‌های کلیدی

مرثیه، صور خیال، محتشم کاشانی، مصیبت کربلا

* دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایزد
تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

۱- مقدمه و بیان مسأله

«تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را «خیال» یا «تصویر» می‌نامیم و عنصر معنوی شعر، در همهٔ زبان‌ها و در همهٔ ادوار، همین خیال و شیوهٔ تصرف ذهنی شاعر در نشان دادن واقعیات مادی و معنوی است و زمینهٔ اصلی شعر را صور گوناگون و بی‌کرانهٔ این نوع تصرفات ذهنی تشکیل می‌دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲) «خیال عنصر اصلی شعر است. در حقیقت مجموعهٔ امکانات بیان هنری که در شعر مطرح است و زمینهٔ اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمز و گونه‌های مختلف ارائهٔ تصاویر ذهنی می‌سازد، «تصویر» و «خیال» (ایماژ) نامیده می‌شود» (همان: ۱۰) «عموم صاحب‌نظران قدیم و معاصر، خیال/تصویر را عنصر اساسی در کلام شاعرانه گفته‌اند. مادهٔ خام خیال و خلق تصویر، زبان و شیوه‌های رفتار زبانی است. تصویر و خیال می‌تواند از رهگذر زبان وصفی یا زبان مجازی و به کمک تشبیه، استعاره، نماد، حس‌آمیزی، کنایه، جناس‌های آوایی، تمثیل، تلمیح و سایر مجازها ایجاد شود» (داد، ۱۳۸۳: ۱۳۹). در انواع صور خیال، مبنای اصلی تصویر شاعرانه عبارت است از یافتن رابطه میان دو امر متفاوت و بعید در عالم خارج و تطبیق آن دو با یکدیگر از جهت یک یا چند صفت برجستهٔ مشترک میان آن دو، عرضه و بیان نتیجهٔ این تطابق به طریقی که نتیجهٔ واحدی از آن حاصل شود که این بیان به یکی از طرق چهارگانهٔ بلاغی یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه صورت می‌پذیرد. (ر. ک: زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۶) شاعر می‌تواند با بهره از این گونه زبان وصفی یا مجازی و ابزار، در انواع شعر فارسی از لحاظ معنی و محتوا و قالب‌های مختلف طبع‌آزمایی کرده به تناسب مضمون مورد نظر، شعر و کلام خود را تعالی بخشیده ماهر ماندگاری و تأثیرگذاری بر آن اثر ثبت نماید. یکی از این انواع شعر محتوایی، مرثیه است که آن شعری است که در سوگ کسان یا ذکر مصیبت ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام به ویژه امام حسین(ع) و یاران او سروده شده باشد. در مرثیه، شاعر به بیان و ذکر مناقب و فضایل و مکارم شخص درگذشته می‌پردازد، شأن و مقام او را تجلیل می‌کند و از دست رفتنش را ضایعه‌ای عظیم جلوه می‌دهد و در بی‌وفایی دنیا و مسألهٔ مرگ و زندگی سخن می‌گوید و بازماندگان را به صبر و شکیبایی فرا می‌خواند. «در آثار شاعران فارسی زبان از قدیم‌ترین ازمینهٔ تاریخ ادبیات ایران تاکنون وجود دارد که گویندگان ما در سوگ فرزند یا دوست یا ممدوح خود قالباً در قالب‌های قصیده، قطعه و ترجیعات سروده‌اند» (رزمجو، ۱۳۸۵: ۱۱۶) نخستین مرثیه‌های به جا مانده در ادب فارسی عبارتند از: اشعار رودکی سمرقندی در رثای دو شاعر معاصر خود، ابوالحسن مرادی و شهید بلخی:

مرد مرادی نه همانا که مرد	مرگ‌چنان‌خواجه نه کاری است خرد
گنج زری بود در این خاک‌دان	کو دو جهان را به جوی می‌شمرد
	(رودکی، نقل از امامی، ۱۳۸۳: ۱۴۷)
کاروان شهید رفت از پیش	وان ما نیز رفته گیر و می‌اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم	وز شمار خرد هزاران بیش
	(همان: ۱۴۶)

ابوالعبّاس فضل بن عبّاس ربنجی بخارایی در ۳۳۱ ق. در سوگ نصر بن احمد سامانی، ابومنصور عمّارهٔ مروزی شاعر اواخر عهد سامانیان در سوگ ابو ابراهیم اسماعیل بن نوح معروف به منتصر، مرثیهٔ فردوسی در سوگ فرزند از دست شدهٔ خویش و اشعاری در رثای قهرمانان شاهنامه:

مرا سال بگذشت بر شصت و پنج	نه نیکو بود گر بیازم به گنج
مگر بهره برگیرم از پند خویش	براندیشم از مرگ فرزند خویش

مرا بود نوبت برفت آن جوان ز دردش منم چون تن بی‌روان
 شتابم همی تا مگر یابمش چو یابم به بیغاره بشتامش
 که نوبت مرا به به بی‌کام من چرا رفتی و بردی آرام من...
 (فردوسی، ۱۳۷۹، ۱۳۸/۹)

شاعران در مرثیه‌سرایی غالباً ترجیعات را برمی‌گزینند و پس از آن از قصیده بهره می‌جویند اما خود را بدین دو قالب شعری محدود نمی‌کنند؛ مثلاً مرثیه‌های فردوسی در قالب مثنوی است و مرثیه‌های حافظ در قالب غزل. خاقانی مرثیه‌هایی که در سوگ عمومی خویش سروده در قالب قطعه است و گاهی قالب دیگری مانند رباعی نیز استفاده می‌شده است. «مهم‌ترین اشعاری که از نوع مرثیه در ادب فارسی باقی مانده است، آثاری است که شاعران پارسی‌گوی درباره‌ی شهادت سرور شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) و یاران وفادار آن امام یا در وفیات ائمه‌ معصومین (ع) سروده‌اند. نکته‌ی حائز اهمیت و قابل تذکر در مورد این دسته از اشعار، این است که سرودن مرثیه در سوگ شهدای کربلا همچنین تشکیل مجالس عزاء و اقامه‌ی مراسم سوگواری واقعه‌ی کربلا، بلافاصله از زمان وقوع آن حادثه‌ی جانسوز شروع شده و تا زمان حاضر ادامه یافته است. البته صفویه در ترویج تشیع و اقامه‌ی مراسم عزاداری بسیار اهتمام ورزیده‌اند اما این که تشکیل این مجالس مولود آن زمان باشد به کلی خلاف واقع است و ساختن مرثیه منظوم که در ابتدا به عربی بوده و بعداً در زبان فارسی نیز رواج یافته، از زمان وقوع حادثه‌ی کربلا آغاز شده است. در تاریخ ادبیات فارسی، یادمان واقعه‌ی کربلا، سابقه‌ای طولانی دارد. آن چه مسلم است این که از قرن هفتم هجری، عده‌ای از شاعران پارسی‌گوی، اعم از سنی و شیعه، برای اهل بیت مرثیه سروده‌اند» (رزمجو، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

مرثیه را بر حسب مناسبات سراینده با شخص در گذشته به مرثیه رسمی و شخصی و مذهبی تقسیم می‌کنند: مرثیه تشریفاتی و رسمی: در سوگ ارباب قدرت یعنی پادشاهان، وزیران و بزرگان کشور یا وابستگان آن‌ها که معمولاً توسط شاعران درباری سروده می‌شد اما غالباً بر حسب وظیفه یا بنا به دستور پادشاه یا بزرگان کشور این کار را می‌کردند از این رو پرتکلف، خشک و بی‌روح است. از مرثیه‌های رسمی: مرثیه عمق بخارایی به دستور سلطان سنجر و در مرگ دختر او، مه‌ملک خاتون؛ مرثیه فرخی سیستانی در سوگ سلطان محمود غزنوی؛ مرثیه امیر معزی در سوگ سلطان ملک‌شاه سلجوقی؛ مرثیه انوری در سوگ یکی از بزرگان عصر او؛ سعدی نیز در سوگ سعد بن ابوبکر سلغری مرثیه‌ای گیرا دارد. مرثیه شخصی و خانوادگی: به مناسبت از دست رفتن یکی از خویشان شاعر سروده می‌شود. این گونه مرثیه به علت پیوند عاطفی شاعر با درگذشته، معمولاً از سر اخلاص گفته می‌شود و تراوش دلی سوخته و طبعی اندوهگین است، از این رو پرمایه و گیرا و جان‌سوز و پر سوز و گداز است. نمونه‌های مرثیه شخصی: مرثیه فردوسی در مرگ فرزند ۳۷ ساله‌اش؛ مرثیه مسعود سعد سلمان در سوگ فرزندش، صالح؛ مرثیه‌های مشهور خاقانی در سوگ فرزند و عمویش؛ مرثیه‌های کمال‌الدین اسماعیل، سعدی، حافظ و جامی که در سوگ فرزندان خویش سروده‌اند. همچنین مرثیه‌های فردوسی در سوگ سهراب، سیاوش، اسفندیار و رستم از این دست است.

مرثیه مذهبی: این نوع مرثیه را در ذکر مناقب ائمه اطهار و سوگ رهبران مذهبی، عالمان دین یا مصیبت امامان، به ویژه سیدالشهداء (ع) و یاران او می‌سرایند. این نوع مرثیه قدمت چندانی ندارد و تقریباً با رسمیت یافتن مذهب تشیع (از قرن دهم با حکومت صفویه) در ایران هم‌زمان است. نخستین کسی که در ذکر مصیبت شهیدان کربلا کتاب نوشت، ملاحسین واعظ کاشفی در کتاب روضه الشهداء بود. از شاعران سده نهم هجری کسانی چون کمال غیاث‌الدین شیرازی، بابا سودایی ابیوردی، تاج‌الدین حسن تونی سبزواری، ابن حسام قهستانی، خواجه اوحد سبزواری، لطف‌الله نیشابوری و کاتبی ترشیزی را می‌توان نام برد که به واقعه کربلا پرداخته‌اند. اما پرآوازه‌ترین شاعر مرثیه‌سرا، محتشم کاشانی است که در روزگار شاه طهماسب یکم صفوی

(۹۸۴-۹۳۰ ق.) ترکیب‌بند معروف خود را در دوازده بند در رثای امام حسین(ع) و یاران او سرود و با این که در انواع دیگر شعر شاعری میان‌مایه بود، در این راه به چنان موفقیتی دست یافت که مرثیه وی در شمار اشعار معروف فارسی قرار گرفت و پس از او، بسیاری از شاعران سبک و سیاق وی را تقلید کردند اما کم‌تر به پایه او رسیدند. (ر. ک: انوشه، ۱۳۷۵: ۱۲۴۳-۱۲۴۲؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۸۵-۱۷۲)

«رثای شعرا درباره‌ی دوستان و شاعران دیگر نیز از قدیمی‌ترین انواع رثائیه است. از دیگر انواع مرثیه یکی مرثیه‌های فلسفی است که گاهی در اشعار شعرا نمونه‌هایی یافت می‌شود که از احساسات تأثیرگذار آنان نسبت به مسأله مرگ و حیات و افسوس بر گذران دوران شباب به غفلت و بطالت و احساس مرگ قریب‌الوقوع بی‌زاد و توشه رحلت و یا شوق وصال معشوق حقیقی و وصول به سرمنزل اصلی حکایت می‌کند که ما این دسته از اشعار را که بیشتر جنبه تنبیهی و عرفانی دارد و در پاره‌ای از آن‌ها مثل این است که شاعر از مرگ بر خود تعزیت می‌کند و مرثیت می‌خواند، به مرثیاتی فلسفی تعبیر می‌کنیم» (امامی، ۱۳۶۹: ۶۳).

بر سخن مذکور حیرت‌های فیلسوفانه و پرسش‌های بدون پاسخ بشر در تاریخ زندگیش را نیز باید افزود. مرثیاتی اجتماعی و داستانی (قومی) نیز عنوانی است که برای اشعاری به کار می‌بریم که به واسطه رخ نمودن مصیبتی از قبیل زلزله، سیل، باد یا قتل عام‌های فجیع سروده شده باشد. آغاز مرثیاتی اجتماعی یا قومی را بعضی از مورخان ادبی از قرن هفتم به بعد می‌دانند. مرثیاتی داستانی هم ابیاتی است که شاعر برای شخصیت داستانی یا قهرمان یکی از منظومه‌ها سروده است و از این رهگذر تفاوت نمی‌کند که شخصیت داستانی دارای اهمیت تاریخی است یا خیر مانند اشعار نظامی در مرگ شیرین. (ر. ک: همان: ۱۸۵-۱۸۳)

در دوره‌های متأخرتر، شاعرانی در رثای سیدالشهداء(ع) و یاران او طبع آزمودند از آن جمله: صباحی بیدگلی، وصال شیرازی، سروش اصفهانی، میرزا محمود خان ملک‌الشعراء که ترکیب‌بندی بسیار فصیح و جان‌سوز مشتمل بر چهارده بند در رثای حضرت سیدالشهدا سروده که در زیبایی و هنر سخنوری با مرثیه محتشم پهلوی می‌زند، شاعرانی دیگر مانند میرزا نورالله عمان سامانی، میرزا محمدتقی نیر، ملک‌الشعراء بهار، امیری فیروزکوهی، محمدحسین شهریار، حسین پژمان بختیاری، اقبال لاهوری، جلال‌الدین همایی، علی انسانی و مشفق کاشانی. مرثیه‌های مذهبی چون از ژرفای اعتقادات و احساسات شاعر برمی‌خیزد، اغلب پرسوز، جذاب و گیراست و نشان‌دهنده شور عاطفی و غلیان احساسات سراینده آن‌هاست. واقعه کربلا یکی از تأثیرگذارترین و در عین حال پرسوز و گدازترین جلوه‌های مذهب تشیع، در میان تمامی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی در دوره قاجار به عنوان رخدادی جان‌گداز از آن یاد می‌شود و در شعر و نثر شاعران و نویسندگان نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است به گونه‌ای که کم‌تر دیوان شعری می‌توان یافت که در آن اشاره‌ای به این رویداد نشده باشد. گویی این که مثلث شیعیه و حسین(ع) و کربلا به یک موضوع روز تبدیل شده است و در هر گوشه مرز و بوم می‌توان نشانه‌ای از آن مشاهده کرد. موضوع شهادت حسین(ع) و یاران او، مضامین عمده‌ای را در ادبیات دوره قاجار آفریده است. قالب‌هایی چون مرثیه و نوحه در این دوره به عنوان محمل این حادثه کاملاً قابل توجه هستند. در دیوان‌های بیشتر شاعران این دوره بی‌تردید به مرثیه‌هایی بر خواهیم خورد که با سوز و گداز بیان شده‌اند و می‌توان گفت چه بسا بسیاری از شاعران به عنوان مرثیه‌سرا شناخته شده و با افتخار تمام به توصیف و ترسیم چهره امام حسین(ع) و یاران وفادار او و حماسه کربلا پرداخته‌اند. (طایفی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

با توجه به اهمیت موضوع شهادت سرور و سالار شهیدان و اهمیت مرثیه محتشم کاشانی به عنوان یکی از ماندگارترین مرثیاتی، این مقاله قصد دارد تا با پرداختن به جزئیات زیبایی‌شناسی شعر محتشم، علل شهرت و تأثیرگذاری آن را بررسی و تبیین نماید.

درباره محتشم و شعر او تحقیقات مختلفی انجام گرفته است اما از دیدگاه زیبایی‌شناسی و بررسی جنبه‌های بلاغی مرثیه او در ذکر مصیبت کربلا پژوهشی نشده است. برخی مطالعات نزدیک بدین موضوع را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:

مقاله «بررسی و توصیف حوادث کربلا در اشعار اهلی شیرازی» نوشته علیرضا نبی‌لو (۱۳۸۸) که عناوینی چون تأثیرپذیری شاعر از تفکرات شیعی، ترسیم گوشه‌هایی از وقایع کربلا، تأثیر حوادث کربلا بر عالم و نحوه توصیف شاعر از آن حوادث را مطرح نظر قرار داده است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام با عنوان «بررسی صور خیال در غزلیات محتشم کاشانی»، معصومه شعبانی، ۱۳۹۳.

مقاله «نکاتی چند درباره ترجیع‌بند معروف محتشم کاشانی» نوشته مهدی صدری (۱۳۷۷) که به چگونگی انتخاب و ظهور مرثیه در قالب ترکیب‌بند اشاره دارد.

مقاله «اشعار پر آب چشم» نوشته کارن جی رافل درباره پایان‌نامه خود اوست ترجمه ابوالفضل حرّی (۱۳۸۶) که ژانر مرثیه، شکل و محتوای کربلانامه محتشم کاشانی را بررسی کرده است.

مقاله بسیار مختصر «نگرشی به هدف‌های ترکیب‌بند محتشم کاشانی، محمدرحیم حاجیان (۱۳۶۴).

مقاله کوتاه «تحلیل سبکی ترکیب‌بند محتشم کاشانی نوشته محمود صلواتی (۱۳۸۷) که به اختصار این مرثیه را از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده است.

مقاله مختصر «جلوه‌های زیبایی‌شناسی در ترکیب‌بند محتشم کاشانی» اثر عبدالرضا قریشی (۱۳۷۱) که بسیار مختصر به برخی آرایه‌ها در این شعر اشاره کرده است.

۲- محتشم کاشانی

مولانا محتشم کاشانی ملقب به کمال‌الدین و فرزند خواجه میر احمد کاشانی از شاعران پرآوازه سده دهم است که در زمانه شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰) می‌زیسته و در کاشان به شغل بزازی سرگرم بوده است. محتشم را باید قافله‌سالار کاروان شعر عاشورا دانست زیرا مرثیه دوازده‌بندی او با تأثیر شگرفی که بر شاعران چهار سده اخیر داشته موجبات غنای کمی و کیفی شعر عاشورا را فراهم ساخته و به دلیل اقبال بی‌سابقه دوستداران حسینی از این اثر فاخر و ماندگار، نام محتشم و ترکیب‌بند عاشورایی او با فرهنگ عاشورا گره خورده است. ترکیب‌بندهایی که به اقتضای ترکیب‌بند ماندگار وی و یا با تأثیرپذیری از آن سروده شده، سرفصل ممتازی را در پیشینه شعر آیینی در زبان فارسی به خود اختصاص داده است. با این که زمانه محتشم کاشانی با آغاز رواج سبک اصفهانی معروف به هندی هم‌زمان بوده است، در آثار وی کم‌تر نشانی از این سبک شعری مشاهده می‌شود. ترکیب‌بند عاشورایی او نمونه بارزی از سبک عراقی در زبان فارسی است و در میان آثار ماتمی این سبک از نمونه‌های بارز به شمار می‌رود. بدون تردید هیچ اثر منظوم عاشورایی در زبان فارسی به اندازه دوازده بند محتشم کاشانی مورد اقبال فراگیر قرار نگرفته و تأثیر دامنه‌دار این اثر ماندگار را می‌توان در پیشینه چهار سده اخیر شعر عاشورا در زبان فارسی ملاحظه کرد. ترکیب‌بندهای فاخری که به اقتضای دوازده بند محتشم سروده شده نمایانگر این واقعیت است که او به عنوان قافله‌سالار شعر عاشورا در زبان فارسی شناخته شده است و با اقبال بی‌چون و چرا و چشمگیر مردم کوچه و بازار نیز از دیرباز روبرو بوده و کتیبه‌های پارچه‌ای حسینیه‌ها که مزین به ترکیب‌بند اوست دلیل شاهدهی بر صحت این ادعاست. آوازه دوازده بند او حتی از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته و در کشورهای چون هندوستان، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان علاقمندان زیادی دارد و حتی در میان عرب‌زبانانی که با ادبیات فارسی آشنایی دارند بزرگان بسیاری مشاهده می‌شوند که به ترکیب‌بند عاشورایی محتشم به دیده احترام می‌نگرند. (ر.ک: مجاهدی، ۱۳۸۶: ۱۵۵-۱۵۴؛ نیز: سپاه پاسداران، ۱۳۷۹: ۸۱)

۳- تجزیه و تحلیل

شعر به دلیل ماهیت و ساختار ویژه‌ای که دارد، بیش از هر نوع ادبی دیگر، عواطف و احساسات شاعر در آن ظهور و بروز می‌یابد و بیشتر قابلیت تصویرسازی دارد به ویژه اگر مضمونی بلند و انسانی مانند واقعه عاشورا شاعران را به هنرنمایی برانگیزد، تأثیر چنین واقعه‌ای به افسون کلام شورانگیز ایشان مضاعف خواهد شد. یکی از شیوه‌های هنرنمایی شاعران برای تأثیرگذاری دوچندان شعر به مخاطب، تصویرپردازی است که می‌کوشد مضمون خود را با تصرف قوه خیال، عالم درون و بیرون را به یکدیگر پیوند دهد. بررسی‌های تحلیلی و آماری نشان می‌دهد که پرسامدترین تصویرهای هنری در اشعار عاشورایی، استعاره و در مرتبه بعد تشبیه است. این دو ابزار تصویرسازی باعث می‌شود شعر از احساس و عاطفه بیشتری برخوردار گردد. از علل شهرت و تأثیرگذاری شعر محتشم غیر از مضمون، بهره‌مندی از صنایع لفظی و معنوی، مصادیق صور خیال از جمله استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه و تشخیص است.

۳-۱ - مضمون و محتوا

از منظر نمای کلی مرثیه محتشم با تجاهل‌العارف آغاز می‌شود که باز چه شورشی در جهان افتاده، این چه ماتمی و چه رستخیزی است؟ و حتی نشانی از آخرالزمان بیان می‌کند تا عمق مصیبت را بر دل و جان مخاطب بنماید:

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است
(محتشم، بی تا: ۵۱)

سپس با براعت استهلال ادامه می‌یابد؛ آن مصیبت را محرم دنیا می‌نامد، رستخیزی که در زمین به پا شده اما ملالت آن تا به بارگاه قدس نیز کشیده و حتی جن و پری نیز در عزای اشرف اولاد آدم و آن نازپرورده دامن رسول خدا(ص) نوحه‌گری می‌کنند.

در بند دوم، آمیغی از استعارات و تشبیهات و ترکیبات وصفی زیبا و بغض‌آلود، تصویری از پیکر به خاک و خون کشیده امام حسین(ع) بسان کشتی شکسته‌ای در طوفان کربلا در قاب شعر چنان به تصویر می‌آید که اگر چشم روزگار بر آن حادثه می‌گریست، ایوان کربلا غرق در اشک خونین می‌شد. محتشم آن گونه با تأسف از حرمت‌شکنی میهمان کربلا و مضایقه کوفیان از آب یاد می‌کند که گویی خود آن جا حاضر و ناظر حادثه بوده گویی چهره کراحت بار همچون دیو و ددشان را پیش چشم و فریاد العطش تشنگان کربلا را در گوش دارد و از بی‌شرمی لشکر اعداء آه از نهاد برمی‌کشد.

محتشم در ادامه آه و افسان خود، در تمام بند سوم آرزو می‌کند که کاش هنگام آن مصیبت، سرادپرده هستی واژگون می‌شد و از حرکت باز می‌ایستاد و هنگام شهادت آن امام(ع) همه جهانیان جان می‌دادند، سپس چون توانی در انتقام چنین فاجعه‌ای در خود نمی‌یابد، دل به روز حشر امیدوار می‌کند که در آن روز دست تظلم آل نبی(ص) ارکان عرش را متزلزل خواهد کرد. پس از این، محتشم صحیفه گذشته را ورق می‌زند و نظری می‌افکند بر آن گاه که بر سر خوان غم، سلسله انبیا نخستین فراخوانده شدگان بودند و به میراث‌داری امام حسین(ع) از شهادت امامان پیشین، از ضربتی که بر سر شیر خدا فرود آمد، از پهلوی شکسته خیرالنساء العالمین، حضرت زهرا(س)، از جگر فروخته امام حسن مجتبی(ع) نیز یاد می‌کند:

پس ضربتی کز آن جگر مصطفی درید بر حلق تشنه خلف مرتضی زدند

(همان: ۵۲)

تشبیهات زیبا و استعارات بدیع، در بازسازی صحنه‌ها و حوادث، به غنای شعر محتشم می‌افزاید تا در ادامه رثای خود همچنان در سوگ نشیند. عزاداری دختر زهرا(س) را در دو بند به سوزناک‌ترین وجه مصور می‌کند، تأثر و تألم و داغ‌داری

حضرت زینب(ص) را به اوج می‌رساند تا این که گویی توانی برای نشان دادن عمق فاجعه در خود نمی‌بیند پس با مفاخره‌ای درونی از تأثیرگذار بودن شعرش، بر خود نهیب می‌زند:

خاموش محتشم که دل سنگ آب شد
بنیاد صبر و خانه طاق خراب شد
خاموش محتشم که از این نظم گریه‌خیز
روی زمین به اشک جگرگون کباب شد

(همان: ۵۳)

و برای سنجش واقعه کربلا به معیارهای فrazمینی دست می‌یازد و نه فقط ساکنان کره خاکی که ساکنان افلاکی را نیز در این مصیبت مصاب می‌داند و اختتام کلام به سرزنش چرخ گردون و طرد و لعن عاملان این جنایت یعنی ابن زیاد، یزید و هم‌کیشان آنها، نمرود و شداد، می‌انجامد.

۲-۳ - مبحث استعاره

استعاره که آن را می‌توان صورت فشرده تشبیه نامید، نقش مهمی در ساختار تصاویر شعری ایفا می‌کند و از نظر بلیغ و هنری بودن در سطح بالاتری از تشبیه قرار دارد زیرا اختلاف دو شیء و جدایی آنها که در تشبیه آشکار است، در استعاره از بین می‌رود و اشیاء به وحدت می‌رسند. ذهن مخاطب نیز تلاش بیشتری در کشف استعاره می‌کند و پس از کشف دنیای آن لذت بیشتری خواهد برد. (خزعلی، انصاری، ۱۳۹۲: ۵۱)

در ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی، استعاره دامنه گسترده‌ای دارد و آن شامل انواع استعاره به اعتبار ذکر یا عدم ذکر مشبه یا مشبه‌به یا ملائمت آنهاست. محتشم در استعاره‌های ترکیب‌بند عاشورایی خود بیشتر دیدگاه طبیعت‌گرا دارد یعنی در عناصری که برای ساختن تصاویر استعاری خود استفاده کرده همچنان غلبه با عناصر طبیعی و جلوه‌های آن است چنان که امام حسین(ع) را خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین نامیده یا از تعبیری چون گل، بوستان، گلشن، نخل، ذروه، خس، آتش و نظایر آن بهره برده است.

نخل بلند او چو خسان بر زمین زدند
توفان به آسمان ز غبار زمین زدند

(محتشم، بی‌تا: ۵۲)

عناصر انسانی به ویژه اعضای اندام در استعاره‌های محتشم، از نظر بسامد بعد از عناصر طبیعی قرار می‌گیرد. ترکیباتی چون چشم روزگار، دست دهر، چشم آفتاب، عیسی گردون، دست عتاب و نمونه‌هایی از این قبیل، اگرچه استعاراتی کلیشه‌ای و تکراری است اما در محور افقی شعر و همچنین استواری و دوری از تکلف و پیچیدگی کلام محتشم و نیز در آمیختن با اندیشه والا و همراهی ذوق لطیف شاعر، از کمال همنشینی دیگر ترکیبات بدیع شعر تأثیر یافته و ارزش خود را محفوظ داشته است. یکی از هنرنمایی‌های محتشم در این مرثیه استفاده از ترکیبات اضافی و وصفی است که آن را نیز در قالب استعاره ریخته است:

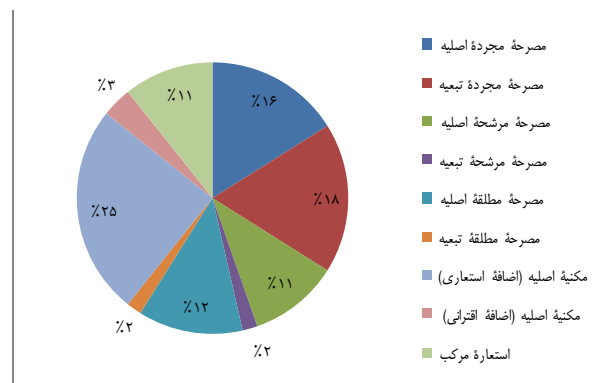
کشتی شکست خورده طوفان کربلا
در خاک و خون تپیده میدان کربلا

(همان: ۵۱)

و یا «پرورده کنار رسول خدا»، «کشته فتاده به هامون»، «صید دست و پا زده در خون»، «خشک‌لب فتاده دور از لب فرات» که در نوع خود ابداعی است از شاعر. دیگر عناصر استعارات محتشم را اشیاء تشکیل می‌دهد اما کاربرد گل و گیاهان و حیوانات و مواردی که در ساخت استعاره معمول است، در این شعر کم‌تر و حتی می‌توان گفت اصلاً دیده نمی‌شود. در مجموع ۵۶ نمونه از انواع استعاره در ترکیب‌بند محتشم کاشانی وجود دارد که بسامد آن در شکل ۱ نشان داده شده است:

کاربرد این میزان قابل ملاحظه از استعاره، شعر را احساس و عاطفه بیشتری می‌بخشد زیرا که بیشتر با جنبه غنایی مرثیه از

جهت تأثیرگذاری و برانگیختن شور عاطفی سر و کار دارد همان‌گونه که حسّی بودن عناصر تشبیه بر غنای فضای حماسی اشعار می‌افزاید. کاربرد اعضا و جوارح انسانی ریشه در توصیف جنبه‌های جسمانی و غزل‌گونه‌ای از موضوعات گوناگون در قرون مختلف دارد و این میراث دست به دست تا محتشم و حتی بعد از او هم رسیده است. شاعر، هر کدام از تصاویر فاجعه کربلا را با صور گوناگون و هماهنگ با عواطف خود تغییر داده و با تغییر احساسات خود متناسب با تصاویر، تأثیرپذیری آن را بیشتر نموده است. از نظر حرکت و سکون تصاویر در استعاره، کفه ایستایی کاملاً سنگینی می‌کند.



شکل ۱- فراوانی انواع استعاره در ترکیب‌بند محتشم کاشانی

تشخیص و تجسیم را می‌توان دو بازوی پرتوان استعاره در شکل‌گیری تصاویر به شمار آورد به ویژه تشخیص که موجب غنای تصاویر شعری می‌شود زیرا شاعر با تصرف در عناصر بی‌جان و بخشیدن صفات و حالات و عواطف انسانی به آنها، روح و حیات و زندگی را در کالبد آنها می‌دمد و موجب پویایی و حرکت تصاویر شعری می‌شود. شاعر در تجسیم نیز با قوه خیال خود افکار و مفاهیم و امور انتزاعی و معنوی را از دنیای مجرد خود به دنیای محسوس می‌آورد تا در لباس محسوس آنها را در دسترس درک مخاطب قرار دهد و یا محسوس را در حیطه محسوس دیگری به تصویر کشد. (خزعلی، انصاری، ۱۳۹۲: ۵۲) مرثیه محتشم از این‌گونه تصاویر نیز بی‌بهره نیست:

گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست
 زان گل که شد شکفته به بستان کربلا
 (محتشم، بی‌تا: ۵۱)

یا اسناد ضمیر شخصی «او» به صبح آن جا که گوید:

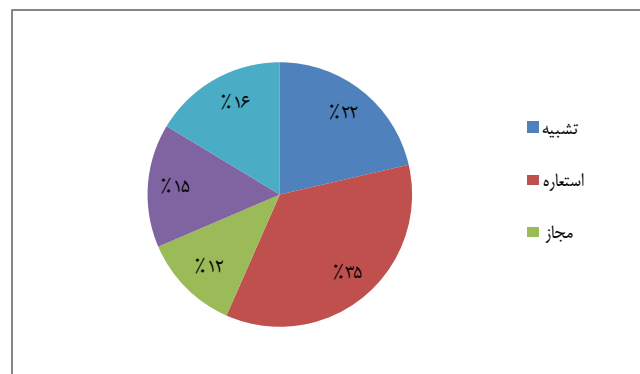
این صبح تیره باز دمید از کجا کز او
 کار جهان و خلق جهان جمله در هم است
 (همان)

سر برهنه برآمدن خورشید، خون گریستن فلک، گفتن عقل، چرخ پیر، در گمان افتادن چرخ، خطا و جفا کردن چرخ، معامله دهر، جامه به نیل زدن عیسی گردون، چرخ سفله، آب شدن دل سنگ، کباب شدن روی زمین و امثال این موارد تشخیص در این مرثیه است که مجموع آنها در شعر مذکور، به ۲۶ می‌رسد.

۳-۳ - مبحث تشبیه

اگرچه تشبیه به واسطه غنای خود، گاه می‌تواند یک تصویر شعری محسوب شود، اما در اغلب موارد به عنوان بخش اساسی از پیکره تصاویر، نقش مهمی در وضوح یا تأثیرگذاری آن ایفا می‌کند. تشبیه یکی از عناصر زیبایی‌شناسی کلام و از جمله معیارهای نقدی برای ارزیابی خلاقیت و نوآوری هنر و هنرمند به شمار می‌آید. با وجود این به تنهایی دارای ارزش هنری نبوده بلکه آن‌گاه که در سیاق کلام موجب روشن شدن معنی و مفهوم برای مخاطب شود و پیام و رسالت کلام را به او منتقل سازد

به عنوان یک عنصر تأثیرگذار و نه فقط زیبایی‌بخش، ارزش می‌یابد. (میرحسینی، انصاری، ۱۳۸۸: ۹۱) بررسی کلی مرثیه محتشم کاشانی از منظر مصادیق تصویرسازی از جمله تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و تشخیص، چنان که در شکل ۲ نمونه شده، بیش‌ترین بسامد را در استعاره نشان می‌دهد، مرتبه بعدی تشبیه، سپس تشخیص، کنایه و مجاز است.



شکل ۲- فراوانی تصویرسازی در مرثیه محتشم کاشانی

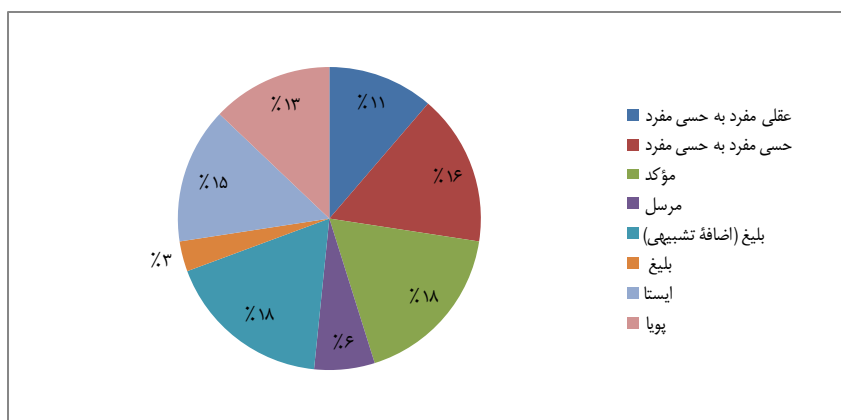
چنان که پیش‌تر گفته شد در اشعار عاشورایی بیش‌ترین تصاویر هنری استعاره و سپس تشبیه است. مرثیه محتشم در حد قابل توجهی از این دو صنعت بهره‌مند است و دامنه وسعت و تنوع آن نسبتاً زیاد است. از نظر کاربرد عناصر محسوس یا معقول، درصد زیادی از آن عناصر به محسوسات تعلق دارد که این امر خود نموداری از برون‌گرایی شاعر است. برتری محسوس عناصر طبیعت و جلوه‌های آن لطافت خاصی به شعر محتشم بخشیده است. محتشم از اقسام عناصر برای تصویرسازی خود استفاده کرده عناصری همچون از طبیعت و مظاهر آن، عناصر انسانی، فلزات و احجار کریمه، ابزار جنگ، اشیاء بی‌جان که البته چنان که گفته شد، طبیعت نقش بیشتری در تصاویر محتشم دارند و در مجموع می‌توان گفت که از اقسام محسوسات اعم از مبصرات، مسموعات، مضمومات، مذوقات و ملموسات بهره یافته است.

از مجموع تشبیهات این ترکیب‌بند، به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، بیش‌ترین آن‌ها حسی به حسی مفرد است مانند زمین قیرگون، گوی زمین، خرمن گردون، دریای خون، آتش تشنگی، اشک جگرگون و... ، بقیه تشبیهات عقلی به حسی مفرد نظیر آتش غیرت، خوان غم، خانه ایمان، جریده رحمت، خیل الم، محیط شهادت، ورطه عقوبت، موج بلا، خانه طاقت، باغ دین، خنجر بیداد، درخت شقاوت.

آن لحظه‌ای که از ترس دشمنان، فریاد و فغان در حرم بلند می‌شود، فلک بر «آتش غیرت» همچون سپند بی‌آرام می‌گردد و زمانی که عالمیان را بر «خوان غم» صلا زدند، نخست سلسله انبیا را فرا خواندند و چنین شد که در دشت کربلا چه نخل‌ها را که از گلشن آل عبا به «تیشه ستیزه» زدند طوری که از این همه بیدادگری‌ها نزدیک بود «خانه ایمان» ویران گردد پس چون «خیل الم» از مدینه رهسپار شام شد عقل انگاشت از غلغله‌ای که در سوگ آن غرقه «محیط شهادت» به پا شده قیامت فرارسید در این اوضاع، دختر زهرا (س) به مویه می‌نشیند و روی به بقیع خطاب به مادرش گوید: ببین اولادت چگونه در «ورطه عقوبت» جفاکاران افتاده‌اند، ببین این «سیل فتنه» و این «موج بلا» را! محتشم در این مقطع، «خانه طاقت» را ویران می‌یابد و لعنت می‌کند عاملان این واقعه را که چگونه به خاطر خسی که بار «درخت شقاوت» است چگونه گل‌های باغ دین را تباہ کردند.

این تشبیهات به اعتبار ذکر ادات تشبیه، بیشتر مؤکد هستند که این امر خود عاملی است برای تأثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه زیرا آن را به استعاره نزدیک می‌کند. به اعتبار ذکر وجه شبه، بیشینه تشبیهات از نوع مجمل هستند و در یک نگرش کلی تشبیهات بلیغ در ترکیب‌بند محتشم کاشانی آمار نسبتاً چشمگیری را (۲۲ مورد از ۳۴ مورد تشبیه) به خود اختصاص داده است و همین تشبیهات بلیغ (اضافه تشبیهی) اوست که با درگیر کردن ذهن با کشف و حل آن، حظی خاص ایجاد می‌کند. این

نوع تشبیه به جهت مبالغه و زیبایی ایجاز، لذت‌بخش و هنری بودن از برترین انواع تشبیه است که در آن ادعای این همانی به اوج خود می‌رسد. بهره‌مندی از عناصر پویا و ایستا در مرثیه محتشم در حالت تساوی قرار دارد یعنی از مجموع این ۳۴ تشبیه، ۱۸ نمونه ایستا و مابقی پویاست. نمودار این آمار در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳- فراوانی انواع تشبیه در مرثیه محتشم کاشانی

۴-۳ - مبحث مجاز و کنایه

شعر عاشورایی در زمینه مجاز از حیث گستردگی، دامنه نسبتاً وسیعی دارد. شاعر پیوسته در شعر خود کلمات را در معنای غیرحقیقی خود به کار می‌برد و این یکی از ویژگی‌های رمزی و مبهم زبان شعر است که آن را هنرمندانه‌تر و مؤثرتر نموده باعث زیبایی کلام شاعر می‌شود. بسیاری از واژه‌ها و جمله‌هایی که انسان در زندگی خود به کار می‌برد، مجاز است که در اثر کثرت تکرار به حقیقت تبدیل شده‌اند. بیشتر مجازهایی که در شعر محتشم به کار رفته از همین مجازهای روزمره است، مجازهای لغوی به علاقه صفت، بدین معنا که صفات را گفته و موصوف را اراده کرده است مانند روح‌الامین، مصطفی، حیدر، آل‌عبا، رسول‌خدا و مانند آن‌ها. بدین ترتیب ۱۹ نمونه مجاز در این مرثیه هست که جز علاقه صفت، علاقی چون قوم و خویشی (زاده زیاد)، سببیت (نور مشرقین)، حال و محل (عالم) را نیز در بر می‌گیرد.

کنایه نیز به عنوان یکی از مباحث عمده علم بیان همواره مورد توجه شاعران و از آن جمله، محتشم کاشانی بوده است تا مرثیه خود را با چنان مضمون وزینی، با بهره‌مندی از کنایه در کنار دیگر مباحث بیانی، عمق و زیبایی بیشتری بخشید. وقتی محتشم در بند ۱۰ می‌گوید:

در خلد بر حجاب دو کون آستین فشان و اندر جهان مصیبت ما برملا بین
یا بضعه الرسول ز ابن زیاد داد کاو خاک اهل بیت رسالت به باد داد
(همان: ۵۳)

مسئلاً از «آستین فشاندن» و «خاک به باد دادن» معنای دوم و دور را اراده کرده است که کنایه ایما و کنایه از فعل است. همچنین است: «طلوع کردن آفتاب از مغرب»، «دریده شدن جگر»، «سر به زانو نهادن»، «گرد به فلک هفتمین رسیدن»، «غلغله در شش جهت افکندن»، «جامه به نیل زدن»، «دست از آستین به در آمدن» و... نوع دیگر کنایه ایما در شعر محتشم، کنایه از صفت است:

اهل حرم دریده گریبان، گشوده مو فریاد بر در حرم کبریا زدند
(همان: ۵۲)

نتیجه

محتشم کاشانی پرآوازه‌ترین شاعر مرثیه‌سرا با سرودن ترکیب‌بند ۹۷ بیتی خود در رثای امام حسین(ع) و یاران او، به چنان موفقیتی نایل آمد که کم‌تر کسی پس از او در سرودن مرثیه بدان پایه و مایه رسید. مرثیه او با تأثیر شگرفی که بر شاعران پس از خود گذاشت موجب غنای کمی و کیفی شعر عاشورایی شد و سرفصل ممتازی را در سابقه شعر مذهبی و آیینی گشود. غیر از مضمون، بهره‌مندی محتشم از صنایع لفظی و معنوی و مصادیق صور خیال به ویژه کاربرد فراوان استعاره و تشبیه همچنین استفاده از دیگر مصادیق مانند مجاز و کنایه و تشخیص، می‌تواند از دلایل شهرت و تأثیرگذاری شعر او به شمار آید. تشبیهات زیبا و استعارات بدیع در بازسازی صحنه‌ها و حوادث غنای شعر محتشم را افزون ساخته است. در مرثیه مذکور، بسامد بالای انواع استعاره و در کنار آن، تشخیص و تجسیم، انگیزش احساسی و عاطفی بیشتری را در پی دارد. بیش‌ترین تکیه محتشم بر استعاره و اقسام آن است که از میان ۵۶ قسم آن، استعاره مجردة اصلیه و تبعیه تقریباً برابری می‌کند و اضافه استعاری (استعاره مکنیه اصلیه) در رتبه بعد قرار می‌گیرد. پس از استعاره، انواع تشبیه کاربرد بسیار دارد به ویژه تشبیه بلیغ یا اضافه تشبیهی که به جهت مبالغه و زیبایی ایجاد، حظی وافر و خاص ایجاد کرده شعر را لذت‌بخش‌تر و هنری‌تر جلوه داده است. از مجموع ۳۴ گونه تشبیه، به اعتبار عقلی و حسی بودن طرفین، بیش‌ترین آمار به تشبیهات حسی به حسی اختصاص می‌یابد و از منظر پویایی و ایستایی و همچنین وجه شبه و ادات تشبیه، در حالت توازن قرار دارد. در مبحث مجاز نیز، مجاز لغوی به علاقه صفت بیشتر کاربرد داشته و از انواع کنایه، کنایه از فعل در شعر مرثیه محتشم نمود یافته است اما از مجاز و کنایه و تشخیص، گرایش محتشم به سوی اسناد مجازی یا تشخیص واضح‌تر است.

منابع و مأخذ

کتابها

- ۱- احمدی بیرجندی، احمد. اشک خون: مناقب و مرثی‌های حضرت سیدالشهداء(ع). تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه انتشارات اسوه، ۱۳۸۷.
- امامی، نصرالله (گزینش و گزارش). استاد شاعران رودکی، شرح حال و گزیده اشعار. تهران: جامی، ۱۳۸۳.
- _____ . مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی تا هشتم. اهواز: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- انوشه، حسن. دانشنامه ادبی فارسی (۲). تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶.
- خطیب رهبر، خلیل (به کوشش). گزینۀ سخن پارسی (۲). تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه، ۱۳۴۳.
- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، ۱۳۸۳.
- رزمجو، حسین. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۵.
- رستگار فسائی، منصور. انواع شعر فارسی (بحثی در صورت‌ها و معانی شعر کهن و نو پارسی). شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰.
- زنجانی، برات. صور خیال در خمسه نظامی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه، ۱۳۸۵.
- صاحبکاری، ذبیح‌الله. سیری در مرثیه‌عاشورایی. تهران: تاسوعا، ۱۳۷۹.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه فردوسی (ج. ۸ و ۹). به کوشش و زیر نظر سعید حمیدیان. تهران: قطره، ۱۳۷۹.
- محتشم کاشانی، علی‌بن‌احمد. (بی‌تا). دیوان محتشم کاشانی. با تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- مجاهدی، م. ع. کاروان شعر عاشورا. قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی. شکوه شعر عاشورا. قم: پیک جلال، ۱۳۷۹.

مقالات

- ذکاء، یحیی. (اسفند ۱۳۴۱ و فروردین ۱۳۴۲). «محمودخان ملک‌الشعرا شاعری ماهر، نقاشی چیره‌دست، دانشمندی خوشنویس، انسانی کامل». هنر و مردم. شماره ۵ و ۶. ۲۴-۳۳.
- طایفی، شیرزاد. (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «بررسی نموده‌های مذهبی در شعر عهد قاجار». مجله ادیان و عرفان. سال دوم. شماره چهل و سوم. ۹۹-۱۱۵.
- میرحسینی، سید محمد؛ انصاری، نرگس. (پاییز و زمستان ۱۳۸۸) «نقد و مقایسه تصویرپردازی تشبیه هنری در شعر عاشورایی فارسی و عربی». لسان مبین، شماره ۰۰۲ (ویژه‌نامه زبان و ادبیات عربی)، ۸۸-۱۰۵.
- خزعلی، انسیه؛ انصاری، نرگس. (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «تصویرپردازی شعری در شعر عاشورایی فارسی و عربی (تصویر استعاری)». پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، ۴۷-۶۹.